

تبیین الگوی امنیت اجتماعی با تأکید بر جرم خیزی (مطالعه موردی: روستاهای پیرامونی کلانشهر رشت)

نادر نصیری صیقلان^۱، فرهاد حمزه^{۲*}، علی بیژنی^۳

^۱ گروه جغرافیا، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۲ گروه جغرافیا، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۳ گروه جغرافیا، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۰۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۹/۲۷

چکیده

در سال‌های اخیر استان گیلان به‌عنوان یکی از استان‌هایی بوده که مهاجر زیادی را از نقاط مختلف کشور در خود جای‌داده و حتی بنا بر گزارش مرکز آمار ایران، گیلان جز ۵ استان با نرخ بالای مهاجرت پذیرد بوده که این امر بی‌شک باعث به‌وجودآوردن مشکلاتی در زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی و کالبدی شده که این موارد در زمینه‌سازی جرم خیزی در این استان نیز مؤثر است. شهر رشت به‌عنوان مرکز این استان نیز متأثر از این عوامل است. به‌طوری‌که بر اساس گزارش‌های دریافتی از نهادهای مرتبط با امنیت اجتماعی، بخش اعظمی از جرائم مانند دزدی و سرقت، مربوط به مسافرپذیری شهر رشت و تراکم بالای تردد در این شهر است. با توجه به این مسائل، هدف از انجام این تحقیق تبیین الگوی امنیت اجتماعی با تأکید بر جرم خیزی در روستاهای پیرامونی شهر رشت است. روش اصلی این تحقیق پیمایش و ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه محقق ساخته است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه ساکنین روستاهای پیرامونی شهر رشت در قالب چهار دهستان لاکان، حومه، پیربازار و پسیخان تشکیل می‌دهند که از این بین تعداد ۴۰۰ نفر به‌عنوان حجم نمونه از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای مورد پرسشگری قرار گرفتند. بر اساس بررسی مبانی نظری، محقق عوامل کالبدی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را به‌عنوان عوامل تأثیرگذار بر جرم خیزی در نظر گرفت. از یافته‌های مهم این تحقیق می‌توان به رابطه منفی و معکوس بین عوامل کالبدی، اجتماعی و فرهنگی با جرم خیزی اشاره کرد به‌طوری‌که هر چقدر وضعیت این عوامل نامطلوب‌تر باشد جرم خیزی بالاتر است. اما رابطه بین عامل اقتصادی با جرم خیزی معنی‌دار نبود. یافته‌های تبیینی تحقیق نیز بیانگر آن بود که متغیرهای کالبدی، اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی ۳۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته (جرم خیزی) را تبیین می‌کنند. محقق در نهایت مدل تبیینی تحقیق که الگوی امنیت اجتماعی در روستاهای پیرامونی شهر رشت می‌باشد، را ارائه نمود.

کلیدواژه‌ها: امنیت اجتماعی، جرم خیزی، روستا، شهر رشت.

مقدمه

به طور کلی امنیت عبارت است از: در معرض خطر نبودن یا از خطر محافظت شدن. امنیت همچنین عبارت است از: رهایی از تردید، آزادی از اضطراب و بیمناکی و داشتن اعتماد و اطمینان موجه و مستند. امنیت، خواه فردی، ملی یا بین‌المللی، در زمره مسائلی است که انسان با آن مواجه می‌باشد. امنیت به صورت وسیع، در مفهومی به کار گرفته شده که به صلح، آزادی، اعتماد، سلامتی و دیگر شرایطی اشاره می‌کند که فرد و یا گروهی از مردم، احساس آزادی از نگرانی، ترس، خطر یا تهدیدات ناشی از داخل یا خارج را داشته باشند. (میرعرب و سجادی، ۱۳۷۹: ۱)

امروزه پدیده افسارگسیخته و نابسامان رشد شهرنشینی، به ویژه در کشورهای جهان سوم که با افزایش جرایم و ناهنجاری‌های شهری (اعم از جنایت، تخلفات و اقدامات غیرقانونی) همراه است، زندگی شهروندان، سیاست‌ها، برنامه‌های حکومت مرکزی، دولت‌های محلی و شهرداری‌ها را دچار مشکلات فراوانی نموده است. چنین وضعیتی که مستقیماً تحت تأثیر رشد جمعیت، افزایش مهاجرت به شهرها، ضعف مدیریت شهری و... است، "پیامدهای منفی گسترده‌ای را به بار آورده که ظهور محلات حاشیه‌نشین (هزارجریبی و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۴) به عنوان نماد جرایم اجتماعی و تجلی نابرابری فضایی در توزیع امکانات توسط مدیران و برنامه ریزان از بارزترین پیامدهای آن است که می‌تواند در امنیت اجتماعی آن مناطق تأثیرگذار باشد.

امنیت را می‌توان به مفهوم مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت و در مورد افراد، به نبود هراس و بیم نسبت به حقوق و آزادی و مصون بودن از تهدید و خطر مرگ، بیماری، فقر و حوادث غیرمترقبه و درکل، هر عاملی که آرامش انسان را از بین ببرد؛ تعریف نمود امنیت اجتماعی در دو بعد عینی و ذهنی تعریف می‌شود. از بعد عینی، امنیت اجتماعی به معنای ایجاد شرایط و موقعیت امن برای افراد جامعه و از بعد ذهنی، امنیت به معنای احساس امنیت است و ارتباط مستقیمی با ذهنیت و ادراک مردم دارد. اگر مردم جامعه‌ای احساس کنند که پدیده امنیت کم‌رنگ شده و یا کاهش یافته است، ممکن است در مرحله اول آن را فقط واقعیتی ذهنی تلقی کنند، اما در مرحله بعد و به نحو ناخودآگاه به عنوان پدیده‌ای بیرونی تجلی می‌یابد. هر دو بعد بر یکدیگر تأثیر مثبت و منفی دارند (رفیعیان و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۷؛ به نقل از شاطریان و همکاران، ۱۳۹۶: ۲)

امنیت یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه اجتماعی در هر جامعه‌ای است و فقدان آن از یک سو موجبات هدررفت منابع اقتصادی و محیطی شده و از سوی دیگر در تنزل کیفیت زندگی مؤثر است. بر همین اساس وجود جرم و جرم‌خیز بودن یک منطقه یکی از عوامل کاهش امنیت اجتماعی بوده و در همین راستا می‌تواند بر شاخص‌های کیفیت زندگی تأثیرات منفی بر جای گذارد. بر اساس استدلال نظریه پردازان جدید مدرنیته، منابع خطر زیادی در زندگی ما وجود دارد و همین خطرات بالقوه خود باعث به وجود آمدن ترس و عدم امنیت در مردم شده است. محققان، شرایط اجتماعی مختلف مانند کاهش ایمان به سنت‌ها، دین، علم و پیشرفت انسانیت، جرم، بحران در سازمان‌ها و ارزش‌ها، گسست خانواده و ارتباطات خانوادگی، عدم ثبات شغلی، نابودی محیط زیست و همچنین عوض شدن چهره بسیاری از منابع، خطر بالقوه

دیگری که قبلاً بسیار خطرناک در نظر گرفته نمی‌شدند، را جزء مهم‌ترین عوامل احساس ناامنی در مردم می‌دانند (احمدی و احیایی، ۱۳۹۳).

جرایم در بیشتر شهرهای جهان، معمولاً تهدیدی جدی برای حیات، تمامیت فردی و دارایی‌های انسان‌ها است. وقوع بیش از حد این جرایم در برخی محیط‌ها نه فقط با اصول مسلم نظام اجتماعی در تعارض است، بلکه همراه خود ضایعات سنگین، سختی و رنج انسان‌ها، به هدررفتن منابع اقتصادی، سرخوردگی شهروندان و وخامت کلی در کیفیت زندگی را به ارمغان می‌آورد. (لطیفی و امیری، ۱۳۹۵: ۶۱) با این حال وقوع جرائم از جامعه‌ای به جامعه‌ای دیگر و از زمانی به زمان دیگر متفاوت است. (یوسفوند و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶)

وجود جرم و جرم‌خیز بودن یک منطقه تصادفی نبوده و معلول یکسری عواملی است که می‌تواند در زمینه‌سازی رفتارهای غیرقانونی و هنجارشکن تأثیرگذار باشد. مطالعات و پژوهش‌های مختلف نشان داده که عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی در جرم‌خیزی یک منطقه تأثیرگذار است.

در سال‌های اخیر استان گیلان به‌عنوان یکی از استان‌هایی بوده که مهاجر زیادی را از نقاط مختلف کشور در خود جای‌داده است و حتی بنا بر گزارش مرکز آمار ایران گیلان جز ۵ استان با نرخ بالای مهاجرپذیری بوده (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) که این امر بی‌شک باعث به‌وجودآوردن مشکلاتی در زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی و کالبدی در این استان شده که این موارد می‌تواند در زمینه‌سازی جرم‌خیزی در استان مؤثر باشد.

شهر رشت به‌عنوان مرکز استان گیلان به تبعیت از کل استان همواره به‌عنوان یک شهر مهاجرپذیر از سراسر کشور بوده و به لحاظ مرکز استان بودن، از سراسر استان نیز میزبان مهاجرین بومی است. از سویی دیگر با در نظر گرفتن قیمت ملک و حتی اجاره در شهر رشت که نسبت به روستاهای اطراف بالاتر است، مهاجرین برای اقامت، به روستاهای مجاور این شهر که شرایط بهتری به لحاظ هزینه اقامت دارد، گرایش پیدا کرده‌اند. این گونه عوامل به‌نوعی باعث بی‌سازمانی اجتماعی و به‌وجودآوردن مشکلاتی در زمینه‌های مختلف شده که این امر می‌تواند در افزایش نرخ جرائم نیز تأثیرگذار باشد. بنا بر اظهارات فرماندهی انتظامی استان گیلان بخش اعظمی از جرائم مانند دزدی و سرقت، مربوط به مسافرپذیری شهر رشت و تراکم بالای تردد در این شهر است (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۵) که نشان از تأثیرات عوامل اجتماعی فرهنگی بر روند امنیت اجتماعی دارد. هم‌چنین آمار به‌دست‌آمده از فرماندهی انتظامی استان گیلان و شهرستان رشت نشان می‌داد که انتخاب سوژه‌های سرقت منوط به خالی از سکنه بودن منازل، سهل و در دسترس بودن منزل به جهت سرقت، وضعیت اقتصادی و اجتماعی محله (جاذبه جرم)، مکان‌های خلوت و دور از دسترس عوامل انتظامی از عوامل اصلی سرقت بوده (سایت آخرین خبر، ۱۳۹۷) که نشان از تأثیر عوامل اجتماعی، اقتصادی و کالبدی در وقوع جرم در شهرستان رشت دارد. هم‌چنین بر اساس آمار به‌دست‌آمده از فرمانداری شهرستان رشت نشان‌دهنده این امر است که سرقت به‌عنوان یکی از ارکان جرم در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۴۰۰ بالاتر بوده به‌طوری‌که این امر در هر چهار دهستان پیرامونی شهر رشت صادق بوده است و حتی دستگیری سارقین نیز بر اساس آمار مذکور در طی یکسال افزایشی بوده است. (آمار دریافتی از فرمانداری شهرستان رشت، ۱۴۰۲)

باتوجه به مسائل مطرح شده در خصوص امنیت اجتماعی و وضعیت جرم خیزی در روستاهای پیرامونی شهر رشت که باعث ایجاد مسائلی شده است محقق به دنبال پاسخگویی بدین سؤال است که وضعیت جرم خیزی در روستاهای پیرامونی شهر رشت چگونه است؟ و چه عواملی بر وقوع جرم و جرم خیزی در آن مناطق تأثیرگذار است؟

پیشینه تحقیق

روشن فکر و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی به تبیین عوامل موثر محیطی در ایجاد حس امنیت اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی شهر رشت پرداختند. جامعه آماری این پژوهش بیش از ۳۰۰۰ نفر است که باتوجه به فرمول کوکران تعداد ۳۴۱ نفر از آن‌ها به عنوان نمونه پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته‌اند که از طریق پرسشنامه محقق ساخت و توزیع آن پرسشنامه، داده‌ها در دو سطح توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ۵ عامل اصلی بر امنیت محیطی و کاهش جرم در مجتمع‌های مسکونی تأثیر به سزایی دارند. این ۵ عامل عبارتند از امنیت فیزیکی، نظارت، ترس از جرم، قلمروپایی، مدیریت و نگهداری که بعد از مقایسه میانگین‌ها، محققان به ترتیب نظارت با ۳.۶۱، امنیت فیزیکی با ۳.۲۳، قلمروپایی با ۲.۸۴، ترس از جرم ۲.۸۳ و مدیریت و نگهداری با ۲.۵۰ را دارای بالاترین اولویت در این زمینه می‌دانند.

اکبرشاهی و سهیلی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای به تبیین رابطه عوامل کالبدی و کیفیت مفهوم قلمرو ثانویه با میزان امنیت اجتماعی ساکنین در محیط‌های مسکونی در پیشگیری از جرم بر پایه رویکرد CPTED؛ مطالعه موردی: مجتمع مسکونی چهارصد دستگاه شهر قزوین پرداخته‌اند. محققین بر این باورند که امنیت یکی از نیازهای مهم بشر است و نقش مهمی در سعادت و سلامت روحی او و جامعه دارد و مسکن جزو نیازهای اساسی انسان، بعد از خوراک و پوشاک است. اما نگاه یک‌سویه به موضوع مسکن، ظرفیت جرم‌خیزی در فضاهای مسکونی و ترس از وقوع جرم در مناطق مسکونی را افزایش داده است. هم چنین آنان معتقدند که توجه نکردن برنامه‌ریزان و طراحان مجتمع‌های مسکونی به معیارهای کالبدی محیطی در جهت نیازهای انسانی مشکلات اساسی برای ساکنین به دنبال داشته است. این تحقیق با هدف ارزیابی هم‌بستگی میان چند متغیر امنیت اجتماعی انجام شده و جامعه آماری آن ساکنین مجتمع مسکونی چهارصد دستگاه قزوین است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که شاخص کیفیت عملکردی، اولویت اول دارد و پس از آن، به ترتیب هریک از شاخص‌های نظارت طبیعی، کیفیت کالبدی، تقویت حریم، خوانایی و قلمروگرایی در ارتقای امنیت اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی تأثیرگذارند.

امامی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای به بررسی نقش طراحی کالبدی در امنیت روستایی (نمونه موردی شهرستان رشت) پرداخته‌اند. محققین به منظور بررسی بهتر موضوع پژوهش، ابتدا ابعاد احساس امنیت را به چهار بعد ناموسی، جانی، مالی و اجتماعی تقسیم نموده و معرف‌های مرتبط را در قالب گویه‌های طیف لیکرت طراحی و استخراج کرده‌اند. سپس ۲۰ معرف را برای سنجش اثرات کالبدی بر امنیت روستاییان مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. روش گردآوری اطلاعات آنان

نیز به صورت کتابخانه‌ای (فیش‌برداری از کتاب، مقاله و منابع اینترنتی) و میدانی (پرسشنامه و مشاهده مستقیم و مصاحبه با سرپرست خانوارها) است. جامعه آماری تحقیق نیز، خانوارهای روستایی ساکن روستاهای شهرستان رشت (۳۲۱۷۰۳) می‌باشد. نتایج تحقیق بیانگر این موضوع است که شاخص‌های جنسیت، سن، میزان تحصیلات، مسائل و مشکلات کالبدی، نوع حادثه و وقوع یافته در محیط و نوع جرم به ترتیب تأثیر قابل توجهی بر احساس امنیت خانوارهای مورد مطالعه داشته است. بطوریکه بررسی‌ها نشان می‌دهد، جنسیت با ۰/۵۵۰ بیشترین میزان تأثیر را بر متغیر وابسته یعنی همان امنیت را دارد و اینکه بیشترین احساس ناامنی در روستاها توسط زنان بوده است.

حبیبی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای به تبیین کارایی و نقش عملکرد مدیریت شهری بر مؤلفه‌های امنیت اجتماعی و پیشگیری از جرم در شهرها پرداخته است. وی معتقد است که احساس امنیت اجتماعی در فضاهای شهری یکی از مهم‌ترین شاخص‌های کیفیت زندگی مطلوب برای شهروندان محسوب می‌گردد. نگرش حاکم بر این تحقیق به صورت کتابخانه‌ای - تحلیلی است. وی در این تحقیق از طریق مطالعات کتابخانه‌ای اقدام به جمع‌آوری تعاریف و نظریات و تئوری‌ها کرده و در مرحله بعد به برشمردن مؤلفه‌های امنیت اجتماعی و تأثیر عملکرد و نقش مدیریت شهری بر هریک از آنها پرداخته است. محقق به این نتیجه دست یافته است که ۲۸ درصد از تغییرات مؤلفه‌های امنیت اجتماعی منوط به بهبود عملکرد مدیریت شهری است که می‌تواند در پیشگیری از وقوع جرم مؤثر باشد.

اسکندری و افشین (۱۴۰۱) در پژوهشی به بررسی ساماندهی امنیت محلات شهری با رویکرد شناسایی کانون‌های جرم زا (مطالعه موردی: منطقه ۴ شهر رشت) پرداخته‌اند. هدف این پژوهش آگاهی از نقاط جرم‌زای کانونی و نحوه اشاعه فضایی کانون‌های جرم‌زا و نیز پی‌بردن به علل اصلی و تأثیر گذار در کمیت نوع جرائم در محلات باتوجه به شکل منطقه مورد بررسی بوده است. این تحقیق از نظر ماهیت و نوع، کاربردی است و با روش توصیفی - تحلیلی به انجام رسیده است. برای جمع‌آوری اطلاعات از مطالعات اسنادی و میدانی در قالب اصلاح نقشه پایه استفاده شده است. یافته‌های مطالعه نشان می‌دهد که برخلاف فرضیه تحقیق، کانون‌های جرم‌زا از مرکز منطقه به پیرامون اشاعه نیافته است و در حاشیه‌های منطقه به طور مستقل کانون‌هایی مستعد برای بزهکاری شکل می‌گیرد که با منطق نزدیک‌ترین همسایه در تحلیل مکانی، تأثیرات آن چنان بر مرکز منطقه ندارد. محققین در انتها به این نتیجه دست یافته‌اند که برخی مکان‌های حاشیه‌ای منطقه به دلیل ساختار کالبدی خاص و همچنین ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی ساکنان آن، امکان و فرصت بیشتری برای وقوع جرم دارند. در نقطه مقابل برخی مکان‌ها مانع و بازدارنده فرصت‌های مجرمانه هستند. همین امر موجب می‌شود تا بزهکاران در انتخاب محل بزهکاری خود به دنبال کم‌خطرترین و مناسب‌ترین فرصت‌ها و شرایط مکانی برای ارتکاب عمل مجرمانه باشند.

گلباغی ماسوله و ملک‌مطیعی (۱۴۰۱) در پژوهشی به بررسی پیشگیری وضعی با رویکرد طراحی محیطی در کاهش سرقت منازل اجتماعی (مطالعه موردی مسکن مهر شهر رشت) پرداخته‌اند. نگارندگان بر این باورند که طراحی نامناسب در ساخت‌وساز محیطی، خطر بزه‌دیدگی را ایجاد می‌کند و پیشگیری از طریق طراحی محیطی، فرصت ارتکاب اقدامات مجرمانه را از بزهکاران می‌ستاند. باتوجه به فراوانی وقوع سرقت، از منازل مسکن مهر، اهتمام به رعایت هرچه بیشتر

قواعد طراحی محیطی در ساخت مسکن اجتماعی، ضروری است. پژوهش به نگارش درآمده در مقاله پیشرو، به صورت موردی، عوامل وقوع جرم سرقت را در مسکن مهر رشت شناسایی می‌کند و نمایان می‌سازد که منشأ آن، بی‌توجهی به مقوله پیشگیری وضعی است. هم‌چنین محققان دریافته‌اند که تطبیق و سنجش طراحی مسکن مهرشهر رشت با مؤلفه‌های طراحی محیطی، حکایت از آن دارد که در محیط داخلی و خارجی این مسکن اجتماعی، مؤلفه‌هایی همچون: قلمرو، نظارت، کنترل دسترسی و دشوارسازی در دستیابی به اهداف مجرمانه رعایت نگردیده است و فقدان این مؤلفه‌ها، تأثیر مهمی در وقوع و فراوانی جرم سرقت داشته است؛ از این رو، اجرای صحیح مؤلفه‌های طراحی محیطی در طرح‌های مسکن اجتماعی، مانند مسکن مهر، راه جلوگیری از وقوع جرم سرقت در این شهرک‌ها و مجتمع‌های مسکونی است. نگارندگان در پایان بر این باورند که اجرای ضوابط طراحی محیطی، ضمن ارتقای ضریب امنیت، کمک شایانی برای کاهش هزینه‌های گزاف برقراری امنیت و نیز کشف و تعقیب مجرمین است.

آریسوکوو^۱ و همکاران (۲۰۲۰) در تحقیقی به بررسی نقش مشارکت جامعه در پیشگیری و کنترل جرم در روستاهای نیجریه پرداخته‌اند. نویسندگان معتقدند که مناطق روستایی در نیجریه با انواع جنایت‌ها بدنام شده‌اند. امکانات ناکافی مانند جاده‌ها و زیرساخت‌های ارتباطی خوب در مناطق روستایی، شناسایی و پیشگیری مؤثر جرایم در آن مناطق را برای پلیس دشوار کرده است. نتیجه این امر تشدید فعالیت‌های مجرمانه است که جوامع روستایی برای محافظت از محله‌های خود، پلیس اجتماعی را توسعه داده‌اند. این مقاله با استفاده از روش‌های کمی و کیفی جمع‌آوری داده‌ها را برای کشف پتانسیل‌های نهفته در پیشگیری و کنترل جرم غیررسمی در مناطق روستایی نیجریه استفاده کرده و از نظریه سرمایه اجتماعی برای نشان‌دادن مزایای مشارکت جامعه در کنترل جرم در روستاهای نیجریه بهره می‌برد. یافته‌های این مطالعه موارد سرقت زیاد را به عنوان جرم رایج در روستاهای نیجریه نشان می‌دهد. هم‌چنین نتایج نشان می‌دهد که جوانان درصد بیشتری از مظنونان در ایستگاه‌های پلیس برای جرم و جنایت را تشکیل می‌دهند. بیکاری و فقر در میان روستاییان به‌ویژه جوانان عامل این جنایت‌ها بود. نبود زیرساخت‌های اجتماعی، حضور ناکافی پلیس و حمایت دولت از جوانان بیکار، وضعیت جرم و جنایت را در مناطق روستایی بدتر کرد. سطح پایینی از تعاملات اجتماعی با پلیس در پیشگیری و کنترل جرم در روستاهای نیجریه وجود داشت. در نهایت محققین پیشنهاد داده‌اند که افزایش مشارکت پلیس عمومی در پیشگیری و کنترل جرم در روستاهای نیجریه می‌تواند در بهبود وضعیت مؤثر باشد.

ژیوانو^۲ (۲۰۲۰) در پژوهشی بررسی مهاجرت از روستا به شهر، جرم و جنایت، و تفاوت در احکام در گوانگدونگ، چین پرداخته است. نویسنده معتقد است که چین در سه دهه گذشته مهاجرت داخلی گسترده‌ای را تجربه کرده است. رشد سریع جمعیت شهری، به‌ویژه جمعیت مهاجر روستایی به شهری، نگرانی اجتماعی اولیه در مورد سلامت عمومی و ثبات اجتماعی است که چین در دهه‌های اخیر با آن مواجه است. این محقق از تصمیمات قضایی دادگاه‌های سطح متوسط در گوانگژو، استان گوانگدونگ، چین برای بررسی ویژگی‌های مجرمان مهاجر روستایی و بررسی رابطه بین مهاجرت روستایی، اختلاف

1 Ogadimma Arisukwu

2 Ziwei Qi

مجازات و جرم استفاده کرد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که مجرمان مهاجر روستایی عمدتاً در زمان ارتکاب تخلفات، تحصیلات پایینی دارند و کم‌کار هستند. آنها مرتکب جنایات خیابانی (مانند سرقت و ضرب و جرح شدید) شدند و در مقایسه با مجرمان شهری، محکومیت نسبتاً شدیدتری برای همان نوع جرم دریافت کردند.

امان^۱ و بولوچ^۲ (۲۰۲۱) در تحقیقی به بررسی جرم و جنایت روستایی و نقش پلیس در منطقه پومورجه^۳ اسلونی پرداخته‌اند. آنان معتقدند که محیط‌های روستایی برای برخی از اشکال جرم خاص است که می‌توان آنها را به چهار دسته تقسیم کرد: ۱) جنایت کشاورزی یا مزرعه، ۲) جنایت حیوانات خانگی (اسب) ۳) جنایات حیات وحش، و ۴) جرایم میراثی. پومورجه یکی از دورافتاده‌ترین و کمتر توسعه یافته‌ترین مناطق اسلونی است که در آن محیط روستایی غالب است. در این مقاله، وقوع جرم روستایی و پلیس روستایی مرتبط با آن در مناطق پومورجه مورد بحث قرار گرفته است. نویسندگان آمار جرم و جنایت را تجزیه و تحلیل کرده و با فرماندهان پنج ایستگاه پلیس در ناحیه اداره پلیس مورشکا سوپوتا^۴ مصاحبه‌های ساختاری انجام داده‌اند. آنان دریافتند که جرایم جنایی فردی در همه مناطق معمول است و با جرایم کیفری در مناطق شهری (مانند سرقت، خرابکاری، کلاهبرداری) تفاوتی ندارد. مهاجرت غیرقانونی، جرایم مربوط به توقف بزرگراه‌ها در امتداد بزرگراه پومورجه، جرایم زیست‌محیطی، جنایات مربوط به کولی‌ها، خشونت خانگی به‌ویژه علیه زنان و افراد مسن، و تولید مواد مخدر غیرقانونی از برجسته‌ترین اشکال جرایم روستایی در منطقه پومورجه است. عوامل اجتماعی - اقتصادی محیط‌های کوچک‌تر در محیط‌های روستایی منعکس شده و بر جرم و جنایت و پلیس تأثیر می‌گذارد. دبلیو ایشاک^۵ (۲۰۲۲) در مقاله‌ای با عنوان طبیعت قتل: آب و هوا و جنایات خشونت آمیز در روستاهای برزیل به بررسی جنایات خشونت آمیز در روستاهای برزیل پرداخته است. این مقاله با استفاده از داده‌های تفکیک‌شده از شهرداری‌های برزیل در دوره ۱۹۹۱-۲۰۱۵، تأثیر شوک‌های آب و هوا را بر جرایم خشونت‌آمیز بررسی می‌کند. با استفاده از یک مدل تأخیر توزیع‌شده که همبستگی‌های زمانی شوک‌های آب و هوایی و همبستگی فضایی نرخ جرم و جنایت را در نظر می‌گیرد، بیان می‌کند که شوک‌های آب و هوایی نامطلوب در قالب خشکسالی منجر به افزایش قابل توجهی در جرایم خشن در مناطق روستایی می‌شود. نویسنده برای توضیح این تداوم، نشان می‌دهد که نوسانات آب و هوا نه تنها با بازده کشاورزی، بلکه با کل فعالیت اقتصادی نیز مرتبط است. علاوه بر این، شواهد حاکی از غلبه مکانیسم هزینه فرصت است که در نوسانات درآمد به‌ویژه برای کارگران کشاورزی و کارگران غیر ماهر منعکس شده است، و این اطمینان را ایجاد می‌کند که در واقع درآمد است که مهم است و نه شرایط عمومی اجتماعی - اقتصادی. محقق در پایان بیان می‌کند که عوامل دیگری مانند ظرفیت بودجه دولت محلی، (عدم) اشتغال، فقر، نابرابری، و عوامل روانی به نظر نمی‌رسد که نرخ جرم خشن را توضیح دهند.

1 Katja Eman
2 Tinkara Bulovec
3 Pomurje
4 Murska Sobota
5 Phoebe W. Ishak

نوباخر و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان "تو با چشمان باز می‌خوابی": درک جرم روستایی و پیامدهای آن برای رفاه جامعه وضعیت جرم خیزی در روستاهای تانزانیا را مورد بررسی قرار داده است. نگارندگان بیان کرده‌اند که در جنوب صحرای آفریقا، مردم با مشکلات جرم و جنایت روبرو هستند. این همچنین در مورد مناطق روستایی، جایی که عمدتاً دام و محصولات به سرقت رفته است، صدق می‌کند. این مقاله تجارب روستاییان با جرایم دارایی، پیامدهای بزه دیدگی و نحوه واکنش آنها به آن را تحلیل می‌کند. روش تحقیق آنان بر بحث‌های گروه متمرکز پایه ریزی شده که در تانزانیا در بهار ۲۰۲۲ با کشاورزان مرد و زن از شش روستا صورت گرفته است. یافته‌های آنان نشان می‌دهد که سرقت‌ها را می‌توان با ساختارهای فرصت خاصی، به‌ویژه در دسترس بودن اهداف مناسب و فقدان قیومیت توضیح داد. به‌عنوان مثال، حیوانات کوچک اهداف مناسبی هستند؛ زیرا قابل دسترس، ارزشمند و آسان برای حمل و نقل و پنهان کردن هستند. مراقبت از دام و محصولات در شب، زمانی که مردم در خواب هستند، و در روز، زمانی که روستاییان در مزارع اغلب دور افتاده خود هستند، کاهش می‌یابد. از نظر فصلی، حوادث جرم و جنایت به‌ویژه در فصول بارندگی و برداشت بسیار زیاد است. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهند که مناسب بودن هدف و سرپرستی می‌تواند در طول زمان متفاوت باشد و برخی از واکنش‌ها به جرم بر هر دو مؤلفه تأثیر می‌گذارد، بنابراین احتمال قربانی شدن مکرر را تعیین می‌کند.

گروت و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهشی به بررسی عوامل تعیین کننده و اثرات قربانی شدن جرم روستایی: شواهدی از یک مطالعه موردی در آسیای جنوب شرقی پرداخته‌اند. نگارندگان مجموعه داده‌ها را از مطالعه پانلی ای که از حدود ۳۵۰۰ خانوار روستایی از آسیای جنوب شرقی استفاده کرده‌اند. و شواهدی را در مورد قربانی شدن جرم بررسی کرده‌اند. آنان پرسش‌هایی را در این خصوص مطرح کرده‌اند که عبارتند از: (۱) تا چه اندازه مردم روستایی تحت تأثیر جرم و جنایت هستند؟ (۲) چه عواملی بزه دیدگی جرم روستایی را تعیین می‌کند؟ و (۳) بزه دیدگی چه اثراتی بر رفاه خانوارهای روستایی دارد؟ در این تحقیق از مدل‌های لاجیت برای شناسایی عوامل تعیین‌کننده قربانی شدن جرم بهره گرفته شده است. پژوهشگران دریافته‌اند که ۵.۴۶ درصد از خانوارهای روستایی در ۱۲ ماه گذشته عمدتاً قربانی سرقت شده‌اند که برخی از آنها حتی بیش از یک‌بار بوده است. زندگی در یک منطقه روستایی با سطوح بالاتر نابرابری با احتمال قربانی شدن سرقت همبستگی مثبت دارد. خانوارهایی با سطوح بالاتر تجاری سازی محصولات با خطر قربانی شدن بیشتر همراه هستند، در حالی که خانوارهایی که دام‌های بیشتری دارند و در گونه‌های دام خاص تخصص بیشتری دارند با خطر کمتری همراه هستند.

آنچه که از مطالعات پیشین برداشت می‌شود این است که توجه بیشتر محققان به جرم در مناطق شهری بوده و جرم اغلب به‌عنوان یک موضوع شهری تلقی می‌شود تا مشکلی که در مناطق روستایی رخ می‌دهد. و اکثر منابعی که به نقش محیط در شکل‌گیری جرم و جنایت پرداخته است غالباً شهرها و بخصوص کلان شهرها را بررسی کرده‌اند. اندک مطالعات صورت گرفته در خصوص جرم در نواحی روستایی مبحث سرقت را به‌عنوان جرم شایع در اینگونه مناطق در نظر گرفته‌اند. هم چنین تأثیر عوامل محیطی و کالبدی به‌عنوان عامل اصلی مؤثر بر جرم در نظر گرفته شده است و کاربرد نظریه بی‌سازمانی اجتماعی را در اینگونه مناطق بیشتر از سایر رویکردها در نظر گرفته‌اند. در اندک تحقیقاتی نیز عامل اقتصادی به‌عنوان عامل

تأثیرگذار بر وقوع جرم در مناطق روستایی می‌باشد. در همین راستا می‌توان بیان کرد که جامع‌نگری در بررسی وقوع جرم و جرم‌خیزی در نواحی روستایی وجود نداشته و تنها به طور جداگانه عوامل خاصی برای تبیین مسئله جرم‌خیزی در نظر گرفته شده است.

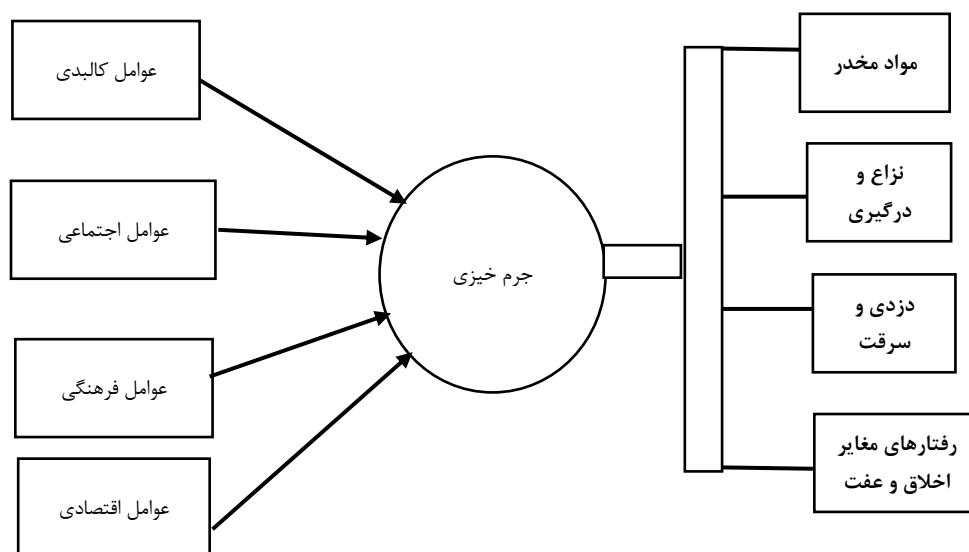
اما آنچه که محقق در این پژوهش به دنبال بررسی آن است تبیین مدل امنیت اجتماعی با تأکید بر جرم‌خیزی در روستاهای پیرامونی شهر رشت است که با یک دید جامع‌تر نسبت به تحقیقات پیشین به دنبال تبیین تأثیرگذاری عوامل کالبدی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تأثیرگذار بر جرم‌خیزی در روستاهای پیرامونی شهر رشت است. تاکنون مطالعه‌ای با چنین رویکرد در روستاهای پیرامونی شهر رشت صورت نگرفته و از همین منظر می‌توان بیان کرد که این پژوهش دارای نوآوری است.

چارچوب نظری را غالباً تکیه‌گاه یک تحقیق علمی می‌دانند، چرا که کل فرایند یک تحقیق بر مبنای آن شکل می‌گیرد. از این رو می‌توان گفت تحقیقی که چارچوب نظری قابل دفاعی نداشته باشد، هزینه زمانی و مالی برای آن اتلاف سرمایه و انرژی است. در تحقیق حاضر جهت بررسی جرم‌خیزی در روستاهای پیرامونی شهر رشت دیدگاه‌ها و رویکردهای مختلفی مورد بررسی قرار گرفت. اما آنچه که محقق به عنوان عوامل تأثیرگذار بر جرم‌خیزی در نظر گرفته است تأثیر عوامل محیطی و اجتماعی بر جرم‌خیزی در روستاهای پیرامونی شهر رشت است. عوامل محیطی و اجتماعی شامل عوامل کالبدی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تأثیرگذار بر جرم‌خیزی در روستاهای پیرامونی شهر رشت مورد توجه قرار گرفته است.

بافت کالبدی و طراحی محیطی نامناسب و کاربری مؤثر از فضا و محیط ساخته شده، در ایجاد فرصت‌های مجرمانه، ترس از جرم و کیفیت زندگی تأثیرگذار است. بر اساس این دیدگاه می‌توان بیان کرد که با طراحی مناسب و کاربری مؤثر از ارتکاب جرم پیشگیری و علاوه بر بهبود کیفیت زندگی بر ترس ناشی از جرم نیز غلبه کرد. یکی از عواملی که در کاهش یا افزایش جرم در یک منطقه تأثیرگذار است عوامل اجتماعی است. بر این اساس یکی از علل وجود کجروی در جامعه کافی نبودن کنترل‌کننده‌های خارجی برای مقابله با انگیزه‌های ارتکاب رفتار کجروانه است. اگر جامعه‌ای از ویژگی‌های زیر برخوردار باشد، قادر به مهار جرم و کجروی خواهد بود: ۱. اینکه از یکپارچگی مناسبی برخوردار باشد. ۲. نقش‌های اجتماعی و محدودیت‌های اجتماعی رفتار را به خوبی تعریف و تعیین کند. ۳. نظام تربیت خانواده و فرایند سرپرستی و نظارت آن را تشویق نماید. ۴. برای تقویت دستاوردهای مثبت افراد، پشتوانه‌هایی را تدارک ببیند. وجود اینگونه عوامل سبب می‌شود که جرم‌خیزی در یک منطقه کاهشی و عدم وجود آن سبب افزایش جرم و جرم‌خیزی در منطقه می‌گردد. عوامل فرهنگی را می‌توان به شیوه‌های خاصی که در روند آموزش‌های رسمی و خانوادگی افراد تثبیت شده، اشاره کرد. هم‌چنین سرمایه فرهنگی شامل گرایش‌ها و عادت‌های پابرجا و تثبیت شده در طول فرایند جامعه‌پذیری و نیز صلاحیت‌های تحصیلی و فرهیختگی است. بررسی عوامل فرهنگی در تبیین جرم، کانون توجه را به نیروهای اجتماعی و فرهنگی که بیشترین فشار را بر برخی از خانواده‌ها، افراد و گروه‌های اجتماعی وارد می‌سازد، معطوف داشته و به بررسی برخی تغییرات اجتماعی و فرهنگی و میزان جرائم می‌پردازد. عامل اقتصادی، عاملی اساسی برای تمام ساختارهای اجتماعی

بوده و تأثیرات قابل توجهی نیز روی فعالیت‌های فردی از جمله دارند، به خصوص اگر این عامل اقتصادی سطح فقر، نابرابری درآمدی و هزینه‌های فرصت اقتصادی باشند.

بر اساس موارد مذکور آنچه که در این تحقیق جهت تبیین امنیت اجتماعی و جرم خیزی در روستاهای پیرامونی شهر رشت مورد قرار گرفته، عوامل اجتماعی، کالبدی، فرهنگی و اقتصادی است که در زیر در قالب مدل نظری ارائه شده است.



شکل ۱- مدل نظری تحقیق

روش شناسی

این تحقیق از نوع توصیفی و تحلیلی بوده و از روش پیمایش بهره گرفته شده است. برای گردآوری داده‌ها نیز از پرسش‌نامه محقق ساخته با سؤالات بسته استفاده شد. کلیه ساکنین روستاهای پسیخان، گرم و لیچاه جامعه آماری تحقیق را تشکیل می‌دهند هم چنین از طریق فرمول کوکران ۲۵۸ نفر به حجم نمونه انتخاب شدند به منظور بالابردن دقت محاسبه تعداد آن به ۳۰۰ نفر افزایش پیدا کرد. روش نمونه‌گیری نیز به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای بود. بدین لحاظ که جهت انتخاب تصادفی خانوار، نقشه‌های مناطق مذکور تهیه شده و در مرحله بعد پرسشگر، خانوار موردنظر را به طور تصادفی در نظر گرفته و با اولین کسی که جلوی درب منزل حاضر می‌شد به شرط اینکه هجده سال یا بیشتر از هجده سال سن داشته باشد، مصاحبه انجام می‌داد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. در بخش تحلیل داده‌ها نیز با توجه به اینکه متغیرهای مستقل و وابسته دارای مقیاس فاصله‌ای بودند از آزمون آماری ضریب همبستگی پیرسون بهره گرفته شد.

جدول ۱- مشخصات جمعیتی دهستان‌های پیرامون شهر رشت

دهستان	تعداد روستا	جمعیت بر اساس آخرین سرشماری	تعداد روستای نمونه	حجم نمونه
لاکان	۲۱	۲۷۷۴۳	۷	۱۴۴
حومه	۲۵	۱۹۹۶۱	۷	۱۰۴
پیربازار	۲۵	۲۰۶۶۶	۷	۱۰۸
پسیخان	۱۴	۸۹۶۰	۲	۴۴
جمعیت کل		۷۷۳۳۰	۲۳	۴۰۰

به منظور بررسی اعتبار پرسشنامه مربوط به متغیرهای پژوهش حاضر از روش اعتبار محتوا استفاده شده است که بر قضاوت و داوری متخصصان استوار است. به همین منظور ابتدا معرف‌هایی که مفاهیم پژوهش را می‌سنجند یا از پژوهش‌های پیشین که زیر نظر اساتید مجرب، استفاده و اجرا شده‌اند، استفاده گردید و یا برای انتخاب بهترین معرف‌ها برای متغیرهای جدید از نظرات محققین و اساتید دیگر استفاده شد. سپس در نهایت، یکبار دیگر پرسشنامه تدوین شده را به اساتید و متخصصان نشان داده و از نظرات آن‌ها برای تصحیح پرسشنامه کمک گرفته شد. بدین ترتیب پرسشنامه از نوعی اعتبار محتوایی برخوردار است.

برای آزمون پایایی پرسشنامه، شیوه‌های متفاوتی وجود دارد. رایج‌ترین و مناسب‌ترین روش برای سنجش پایایی طیف لیکرت، ضریب «آلفای کرونباخ^۱» است. در این پژوهش نیز از این روش برای تعیین پایایی هر متغیر به طور جداگانه استفاده شده است. هر چقدر مقدار این ضریب به ۱+ نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده هماهنگی درونی بالای آیتم‌ها با معرف‌ها است؛ نقطه برش ضریب آلفای کرونباخ عدد ۰/۷ است. به این معنا که مقدار بالاتر از این عدد نشان‌دهنده هماهنگی درونی بالای آیتم‌ها یا معرف‌ها و مقدار پایین‌تر از این عدد نشان‌دهنده هماهنگی درونی پایین آیتم‌ها یا معرف‌ها است.

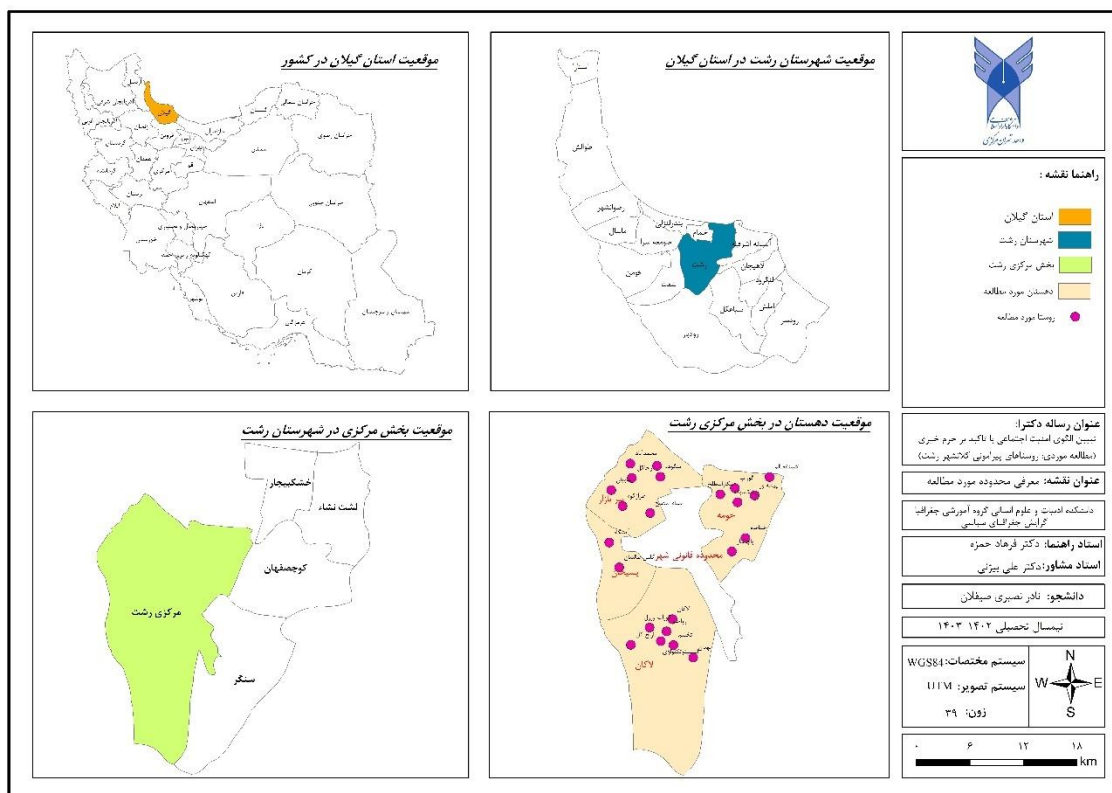
جدول ۲- برآورد آلفای کرونباخ جهت سنجش دقت اندازه‌گیری

متغیر	تعداد گویه	مقدار آلفا
جرم خیزی	۱۸	۰/۸۷
عوامل اجتماعی	۴	۰/۷۵
عوامل فرهنگی	۴	۰/۷۶
عوامل اقتصادی	۳	۰/۷۹
عوامل کالبدی	۴	۰/۸۱

شهر رشت مرکز شهرستان و استان گیلان است که خود در بخش مرکزی شهرستان واقع شده است و بزرگ‌ترین شهر کناره دریای خزر است که مرکز ثقل نقاط توریستی مهم استان گیلان به حساب می‌آید و از طریق محورهای نام‌برده به شهرها و مناطق مهمی چون بندر انزلی از جانب شمال، امامزاده هاشم و رودبار از جانب جنوب به کوچصفهان و لاهیجان

¹ Cronbach

از شرق و فومن و ماسوله از غرب منتهی می‌شود. شهر رشت در ۴۹ درجه و ۳۵ دقیقه و طول شرقی و ۳۷ درجه و ۱۶ دقیقه و عرض شمالی از نصف النهار گرینویچ قرار دارد و مساحت آن طبق آخرین آمار موجود (۱۳۹۲) حدود ۱۸۳۰۰ هکتار می‌باشد. این شهر از شمال به بخش خمام، از جنوب به دهستان لاکان و شهرستان رودبار، از غرب به صومعه‌سرا و شهرستان شفت و از شرق به بخش کوچصفهان و سنگر محدود می‌شود. رودخانه زرجوب از جهت شرق و شمال شرقی و گوهررود از جانب جنوب و غرب، شهر رشت را در میان گرفته‌اند. بخش مرکزی شهرستان رشت یکی از بخش‌های تابعه شهرستان رشت در استان گیلان در شمال ایران است. این بخش، یکی از ۶ بخش شهرستان رشت است که در جنوب این شهرستان قرار گرفته است. این محدوده از نظر موقعیت ریاضی در ۳۷ درجه و ۲ دقیقه تا ۳۷ درجه و ۲۲ دقیقه عرض شمالی و ۴۹ درجه و ۲۹ دقیقه تا ۴۹ درجه و ۴۱ طول شرقی واقع شده است. از نظر موقعیت نسبی بخش مرکزی شهرستان رشت از شمال به بخش مرکزی بندر انزلی، از شمال و شمال شرق به بخش خمام، از شرق به بخش‌های کوچصفهان و سنگر، از شمال و شمال غرب به بخش تولم صومعه‌سرا، از غرب به بخش مرکزی شهرستان شفت، از جنوب به بخش مرکزی رودبار و از جنوب شرقی به بخش سنگر محدود می‌شود. این بخش دارای ۴ دهستان با نام‌های پسیخان، پیربازار، حومه و لاکان می‌باشد.



شکل ۲- موقعیت دهستان‌های پیرامونی شهر رشت

لاکان، دهستانی از توابع بخش مرکزی شهرستان رشت در استان گیلان است. این دهستان شامل ۲۱ روستا است که بر اساس آخرین سرشماری که در سال ۱۳۹۵ انجام شد، جمعیت آن برابر با ۲۷۷۴۳ نفر بود.

دهستان حومه نام دهستانی از بخش مرکزی شهرستان رشت، استان گیلان در ایران است که شامل ۲۵ روستا است که بر اساس سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵، جمعیت آن ۱۹۹۶۱ نفر بوده است.

پیربازار، دهستانی از توابع بخش مرکزی شهرستان رشت در استان گیلان است که شامل ۲۵ روستا بوده و جمعیت آن بر اساس آخرین سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، ۲۰۶۶۶ نفر است.

پسیخان، دهستانی از توابع بخش مرکزی شهرستان رشت در استان گیلان است که شامل ۱۴ روستا بوده و جمعیت آن بر اساس آخرین سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، ۸۹۶۰ نفر است.

یافته‌های تحقیق

توصیف داده‌ها؛ نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها در بخش توصیفی نشان داد ۵۶/۳ درصد از پاسخگویان مرد و ۴۳/۸ درصد زن هستند. ۲۱/۵ درصد از پاسخگویان مجرد و ۷۶/۳ درصد متأهل، ۱/۳ درصد مطلقه و ۱ درصد نیز وضعیت تأهلشان همسر فوت شده بود. در خصوص میزان تحصیلات نیز نتایج نشانگر آن بود که ۱۴/۵ درصد از پاسخگویان دارای سطح تحصیلات در حد ابتدایی و راهنمایی، ۵۳/۸ درصد در دبیرستان و دیپلم و ۳۱/۸ درصد نیز دارای تحصیلات دانشگاهی هستند. نتایج در خصوص سن پاسخگویان حاکی از آن بود که ۱۶/۳ درصد از پاسخگویان در گروه سنی ۲۰ تا ۳۰ سال، ۲۶/۸ درصد در گروه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال، ۴۸/۵ درصد در گروه سنی ۴۱ تا ۶۰ سال و ۸/۵ درصد نیز دارای سن ۶۱ سال و بالاتر هستند. (نتایج جدول ۳)

جدول ۳- یافته‌های توصیفی متغیرهای زمینه‌ای تحقیق

متغیرها	گزینه‌ها	فراوانی	درصد معتبر
جنسیت	مرد	۲۲۵	۵۶/۳
	زن	۱۷۵	۴۱/۳
تأهل	متأهل	۳۰۵	۷۶/۳
	مجرد	۸۶	۲۱/۵
	مطلقه	۵	۱/۳
	همسر فوت شده	۴	۱
تحصیلات	ابتدایی	۲۵	۶/۳
	راهنمایی	۳۳	۸/۳
	متوسطه	۹۰	۲۲/۵
	دیپلم	۱۲۵	۳۱/۳
	دانشگاهی	۱۲۲	۲۶/۳
سن	۲۰-۳۰	۶۵	۱۶/۳
	۳۱-۴۰	۱۰۷	۲۶/۸
	۴۱-۶۰	۱۹۴	۴۸/۵
	۶۱ و بالاتر	۳۴	۸/۵

یافته‌های توصیفی در خصوص جرم خیزی در دامنه ۱ تا ۵، نشان داد که میانگین نمرات بدست آمده وضعیت جرم در روستاهای پیرامونی شهر رشت ۲/۴۲ می‌باشد. این امر بیانگر آن است که وضعیت جرم خیزی در این مناطق متوسط رو به پایین است. در جدول ذیل چهار دهستان پیرامونی شهر رشت به لحاظ جرم خیزی مقایسه شده‌اند.

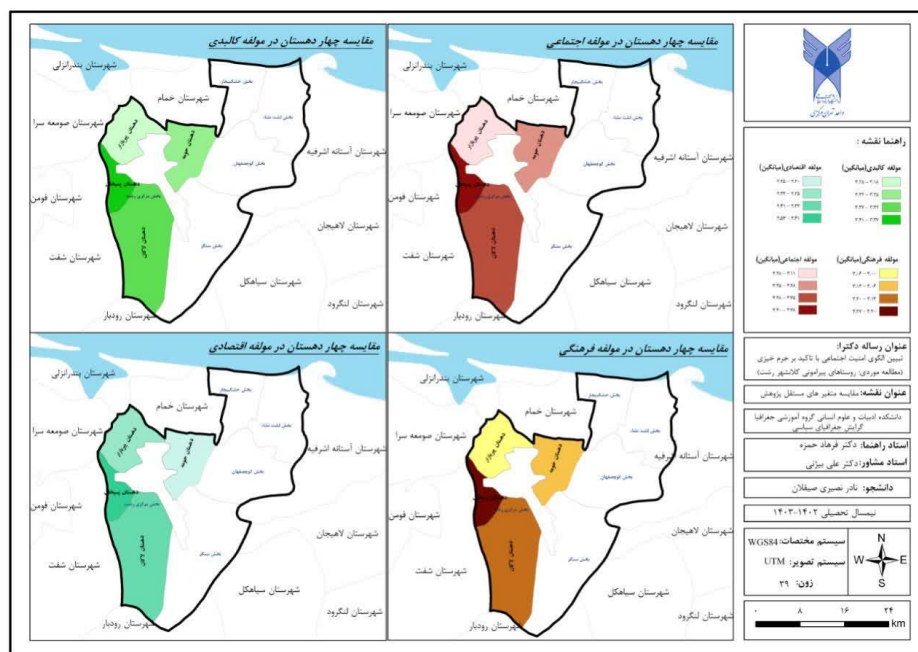
جدول ۴- مقایسه چهار دهستان پیرامون شهر رشت بر حسب جرم خیزی

دهستان	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
لاکان	۱۴۴	۲/۴۶۶۵	۰/۵۵۷۱۱
حومه	۱۰۴	۲/۳۶۴۶	۰/۵۲۸۸۳
پیربازار	۱۰۸	۲/۴۵۸۱	۰/۶۱۳۶۶
پسیخان	۴۴	۲/۳۴۳۹	۰/۶۱۳۶۵
کل	۴۰۰	۲/۴۲۴۳	۰/۵۷۲۳۶

بالاترین میانگین مربوط به دهستان لاکان با میانگین (۲/۴۶) و پایین‌ترین میانگین نیز مربوط به دهستان پسیخان با میانگین (۲/۳۴) است. سطح معنی داری آزمون تحلیل واریانس یک طرفه بالای ۰/۰۵ است. این امر بیانگر آن است که به احتمال ۹۵ درصد بین چهار گروه (دهستان‌های شهر رشت) به لحاظ جرم خیزی تفاوت معنی داری وجود ندارد. همچنین در خصوص عوامل مؤثر بر جرم خیزی که چهار عامل موردبررسی قرار گرفته است، نتایج نشان داد که در دامنه ۱ تا ۵، میانگین نمرات بدست آمده در خصوص وضعیت کالبدی روستاهای پیرامونی شهر رشت ۳/۳۰ می‌باشد که نشان از میانگین متوسط دارد. این امر بیانگر آن است که وضعیت کالبدی در این مناطق تقریباً مناسب است. میانگین نمرات بدست آمده در خصوص وضعیت اجتماعی روستاهای پیرامونی شهر رشت ۳/۳۰ می‌باشد که نشان از میانگین متوسط دارد. این امر بیانگر آن است که وضعیت اجتماعی در این مناطق تقریباً مناسب است. میانگین نمرات بدست آمده در خصوص وضعیت فرهنگی روستاهای پیرامونی شهر رشت ۳/۱۳ می‌باشد که نشان از میانگین متوسط دارد. این امر بیانگر آن است که وضعیت فرهنگی در این مناطق تقریباً مناسب است. در دامنه ۱ تا ۵، میانگین نمرات بدست آمده در خصوص وضعیت اقتصادی روستاهای پیرامونی شهر رشت ۲/۳۲ می‌باشد که نشان از میانگین تقریباً پایین دارد. این امر بیانگر آن است که وضعیت اقتصادی در این مناطق تقریباً نامناسب است.

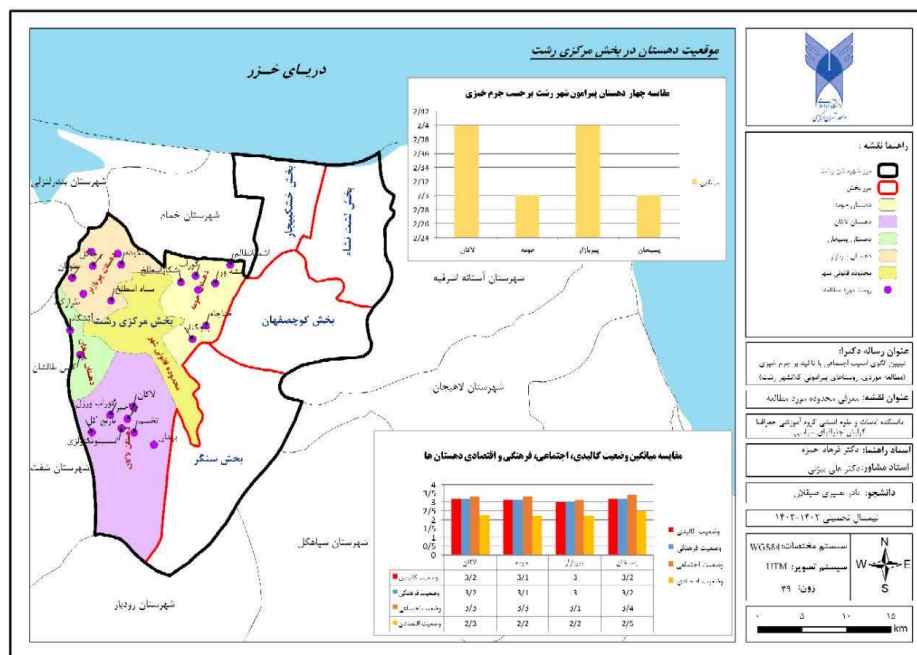
جدول ۵- یافته‌های توصیفی متغیرهای اصلی

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	بیشترین میزان	کمترین میزان
جرم خیزی	۲/۴۲	۰/۵۸۳۳۵	۴/۶۹	۱
عوامل کالبدی	۳/۳۰	۰/۵۸۲۷۳	۴/۵	۲
عوامل اجتماعی	۳/۳۰	۰/۶۰۰۳۳	۴/۷۵	۱/۷۵
عوامل فرهنگی	۳/۱۴	۰/۴۲۵۷۷	۴/۲۰	۲
عوامل اقتصادی	۲/۴۱	۰/۶۰۹۶۸	۴	۱



شکل ۳- مقایسه روستاهای پیرامونی شهر رشت بر حسب عوامل مؤثر بر جرم خیزی

مقایسه وضعیت عوامل مؤثر بر جرم خیزی که در این پژوهش در چهار عامل کالبدی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی موردبررسی قرار گرفت، نشان‌دهنده آن است که دهستان‌های پیرامونی شهر در سه عامل کالبدی، اجتماعی، فرهنگی در وضعیت متوسطی قرار دارند؛ اما در خصوص عامل اقتصادی باید بیان کرد که دارای وضعیت مناسبی نیستند. باتوجه‌به نتایج بدست آمده تفاوت معناداری بین دهستان‌های موردبررسی بر حسب عوامل مذکور وجود دارد.



شکل ۴- مقایسه روستاهای پیرامونی شهر رشت بر حسب جرم خیزی

به همین دلیل می‌توان بیان کرد که روستاهایی که به لحاظ کالبدی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی وضعیت نامناسب‌تری داشته باشند، فضا برای جرم و جرم خیزی مناسب‌تر بوده و جرم خیزی در آن مناطق افزایش پیدا خواهد کرد. از همین رو می‌توان بیان کرد که دهستان لاکان باتوجه به اینکه به لحاظ کالبدی، اجتماعی و فرهنگی نسبت به سایر دهستان‌های موردبررسی وضعیت نامناسب‌تری دارد فضا برای جرم و جرم خیزی در آن دهستان بیشتر فراهم بوده و جرم خیزی بیشتری نیز در این دهستان وجود دارد. اما نتایج بیانگر آن است که دهستان پسیخان بر اساس شاخص‌های اجتماعی، فرهنگی، کالبدی و اقتصادی وضعیت مناسب‌تری داشته و به همین دلیل جرم و جرم خیزی در این دهستان پایین‌تر است. ضریب همبستگی بین وضعیت کالبدی روستاهای پیرامونی شهر رشت و جرم خیزی در آن روستاها ۰/۵۱۷- است که نشان‌دهنده رابطه منفی و متوسط بین دو متغیر دارد. سطح معنی داری ازمون نیز زیر ۰/۰۱ است این بدان معناست که به احتمال ۹۹ درصد فرضیه صفر مبنی بر صفر بودن ضریب همبستگی در مبنای جمعیت نمونه‌گیری رد می‌شود. به عبارت دیگر مقدار ضریب همبستگی مشاهده شده در نمونه در جمعیت نیز وجود دارد. بدین ترتیب هر چقدر وضعیت کالبدی روستاها دارای وضعیت نامطلوب باشد جرم خیزی در آن روستاها بیشتر است.

جدول ۶- برآورد همبستگی پیرسون بین عوامل کالبدی و جرم خیزی

متغیر	آماره	مقدار
جرم خیزی	ضریب پیرسون	۰/۵۱۷- **
	سطح معناداری	۰۰۰
	تعداد	۴۰۰

ضریب همبستگی بین وضعیت اجتماعی روستاهای پیرامونی شهر رشت و جرم خیزی در آن روستاها ۰/۴۶۳- است که نشان‌دهنده رابطه منفی و نسبتاً متوسط بین دو متغیر می‌باشد. سطح معنی داری آزمون نیز زیر ۰/۰۱ است این بدان معناست که به احتمال ۹۹ درصد فرضیه صفر مبنی بر صفر بودن ضریب همبستگی در مبنای جمعیت نمونه‌گیری رد می‌شود. به عبارت دیگر مقدار ضریب همبستگی مشاهده شده در نمونه در جمعیت نیز وجود دارد. بدین ترتیب هر چقدر وضعیت اجتماعی روستاها دارای وضعیت نامطلوب باشد جرم خیزی در آن روستاها بیشتر است.

جدول ۷- برآورد همبستگی پیرسون بین عوامل اجتماعی و جرم خیزی

متغیر	آماره	مقدار
جرم خیزی	ضریب پیرسون	-۰/۴۶۳**
	سطح معناداری	۰۰۰.
	تعداد	۴۰۰

جدول ۸- برآورد همبستگی پیرسون بین عوامل فرهنگی و جرم خیزی

متغیر	آماره	مقدار
جرم خیزی	ضریب پیرسون	-۰/۲۷۶**
	سطح معناداری	۰۰۰.
	تعداد	۴۰۰

ضریب همبستگی بین وضعیت فرهنگی روستاهای پیرامونی شهر رشت و جرم خیزی در آن روستاها ۰/۲۷۶- است که نشان از رابطه منفی و نسبتاً متوسط بین دو متغیر می‌باشد. سطح معنی داری آزمون نیز زیر ۰/۰۱ است این بدان معناست که به احتمال ۹۹ درصد فرضیه صفر مبنی بر صفر بودن ضریب همبستگی در مبنای جمعیت نمونه‌گیری رد می‌شود. به عبارت دیگر مقدار ضریب همبستگی مشاهده شده در نمونه در جمعیت نیز وجود دارد. بدین ترتیب هر چقدر وضعیت فرهنگی روستاها دارای وضعیت نامطلوب باشد جرم خیزی در آن روستاها بیشتر است.

جدول ۹- برآورد همبستگی پیرسون بین عوامل اقتصادی و جرم خیزی

متغیر	آماره	مقدار
جرم خیزی	ضریب پیرسون	-۰/۰۵۵
	سطح معناداری	۲۷۳.
	تعداد	۴۰۰

ضریب همبستگی بین وضعیت اقتصادی روستاهای پیرامونی شهر رشت و رواج مواد مخدر در آن روستاها ۰/۰۵۵- است که نشان از رابطه منفی و ضعیف می‌باشد. سطح معنی داری آزمون نیز بالای ۰/۰۵ است این بدان معناست که به احتمال ۹۵ درصد فرضیه مذکور رد می‌شود.

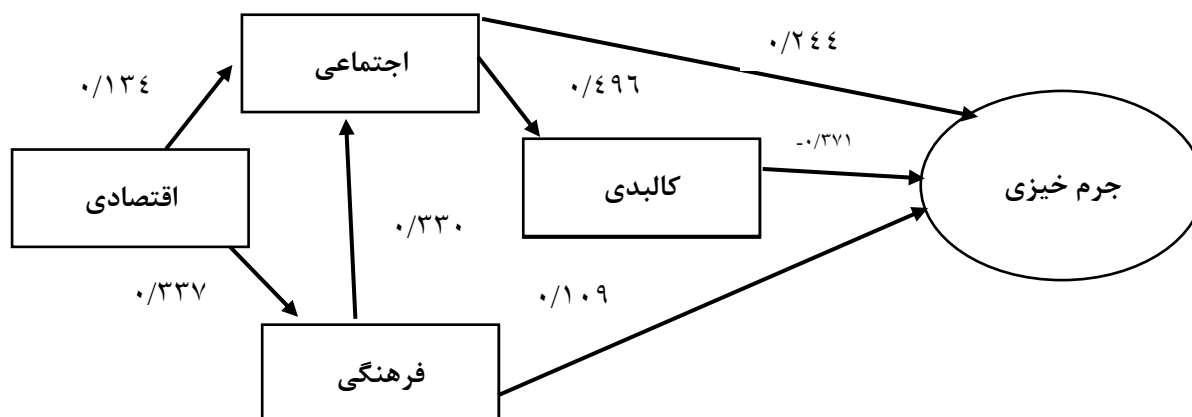
در این تحقیق عوامل مؤثر بر جرم خیزی در روستاهای پیرامونی شهر رشت مورد بررسی قرار گرفت و باتوجه به مطالعه مبانی نظری موضوع مذکور چهار عامل کالبدی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به عنوان عوامل تأثیرگذار بر متغیر وابسته (جرم خیزی) در نظر گرفته شد. در همین راستا جهت آزمون مدل نظری تحقیق از رگرسیون چندمتغیره بهره گرفته شد.

جدول ۱۰- تبیین علی متغیرهای تحقیق

متغیرهای مستقل	B	خطای استاندارد	Beta	t	سطح معنی داری
اجتماعی	-۰/۲۳۳	۰/۰۴۹	-۰/۲۴۴	۴/۷۸۵	۰/۰۰۰
کالبدی	-۰/۳۶۵	۰/۰۴۸	-۰/۳۷۱	۷/۵۷۴	۰/۰۰۰
فرهنگی	-۰/۱۴۷	۰/۰۶۲	-۰/۱۰۹	۲/۳۵۱	۰/۰۱۹
اقتصادی	-۰/۰۷۹	۰/۰۴۲	-۰/۰۸۴	۱/۸۹۲	۰/۰۵۹
مقدار ثابت	۴/۶۷۵	۰/۲۰۰	-	۲۳/۳۴۹	۰/۰۰۰

باتوجه به نتایج بدست آمده و مقدار ضریب تعیین بدست آمده که برابر است با ۰/۳۲ می‌توان بیان کرد که ۳۲ درصد از عوامل مؤثر بر جرم خیزی در این تحقیق تبیین شده است. هم چنین نتایج نشان داد که سه عامل کالبدی، فرهنگی و اجتماعی به صورت مستقیم بر جرم خیزی در مناطق مورد مطالعه تأثیرگذار بوده و تأثیر عامل اقتصادی بر جرم خیزی به اثبات نرسید.

محقق در این پژوهش علاوه بر بررسی تأثیر مستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، تأثیرات غیر مستقیم را نیز مورد بررسی قرار داده و تحلیل مسیر تأثیرات را نیز مشخص نموده و بر اساس مدل تجربی تحقیق نیز بدست آمد که در ذیل به بررسی مدل تجربی تحقیق خواهیم پرداخت.



شکل ۷- مدل تجربی تحقیق

نتایج مدل تجربی تحقیق نشان داده است که سه عامل اجتماعی، کالبدی و فرهنگی به صورت مستقیم بر جرم خیزی در روستاهای پیرامونی شهر رشت مؤثر بودند. هم چنین علاوه بر تأثیرات مستقیم سه عامل مذکور عامل اجتماعی از طریق تأثیر بر عامل کالبدی نیز بر جرم خیزی مؤثر است. عامل فرهنگی نیز از طریق تأثیر بر عامل کالبدی و تأثیر آن بر جرم خیزی، مسیر دوم نیز از طریق تأثیر عامل فرهنگی بر اجتماعی و اجتماعی بر کالبدی و کالبدی بر جرم خیزی بوده است. و در نهایت عامل اقتصادی به صورت مستقیم بر جرم خیزی تأثیرگذار نبوده و از طریق تأثیر بر عوامل اجتماعی و فرهنگی به صورت غیر مستقیم بر جرم خیزی مؤثر بوده است.

جدول ۱۱- محاسبه تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

متغیر	نوع تأثیر		کل
	مستقیم	غیر مستقیم	
کالبدی	-۰/۳۷۱	-	-۰/۳۷۱
اجتماعی	-۰/۲۴۴	-۰/۱۸۴۰	-۰/۴۲۸
فرهنگی	-۰/۱۰۹	-۰/۱۲۱	-۰/۲۳
اقتصادی	-	-۰/۰۰۷	-۰/۰۰۷

در جدول فوق نیز مقدار تأثیرات متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته در دو نوع مستقیم و غیر مستقیم و در نهایت به طور کلی محاسبه شده است.

نتیجه گیری

تحقیق حاضر تلاش داشت تا به تبیین الگوی امنیت اجتماعی با تأکید بر جرم خیزی در روستاهای پیرامونی شهر رشت بپردازد. آنچه به عنوان مسئله اساسی محقق را بر آن داشت تا نسبت به انجام تحقیق اقدام نماید این بود که در چند سال گذشته روند مهاجرت به شهرهای شمالی کشور به خصوص شهر رشت به عنوان بزرگترین شهر شمالی کشور رو افزایش بوده و این موضوع می تواند مسائل مختلفی را ایجاد نماید. از سوی دیگر روند مهاجرتی به شهر رشت تنها شامل مهاجران غیر بومی نبوده؛ بلکه باتوجه به فرصت های شغلی بیشتر در این شهر، از سایر شهرها و روستاهای استان گیلان نیز برای پیدا کردن فرصت شغلی بهتر و کسب درآمد بالاتر به شهر رشت مهاجرت می کنند. اما نکته ای که باید به آن توجه داشت این است هزینه های زندگی از قبیل مسکن در شهر رشت نسبتاً بالا بوده و مهاجران برای اسکان به ناچار به روستاهای اطراف که به لحاظ هزینه پایین تر است، اسکان می کنند. همین امر باعث تغییر در فضای کالبدی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی این مناطق می گردد که می تواند مسائل زیادی را به دنبال داشته باشد. یکی از این مسائل، مسئله امنیت اجتماعی است. چرا که تغییر در بافت کالبدی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می تواند در امنیت اجتماعی مناطق تأثیر گذاشته و از آنجایی که یکی از مؤلفه های اصلی در خصوص امنیت اجتماعی، جرم خیزی آن منطقه است، مسئله جرم خیزی نیز بسیار حائز اهمیت است.

یافته های توصیفی تحقیق در خصوص جرم خیزی در روستاهای پیرامونی شهر رشت نشان داد که میانگین نمرات در دامنه ۱ تا ۵، ۲/۴۲ است که نشان از میانگین متوسط رو به پایین دارد. این امر بیانگر آن بود که وضعیت جرم خیزی در روستاهای پیرامونی شهر رشت متوسط رو به پایین است. هم چنین در خصوص بررسی ابعاد جرم خیزی نیز نتایج توصیفی حاکی از آن بود که بالاترین میانگین مربوط به بعد دزدی و سرقت است. به عبارت دیگر دزدی و سرقت نسبت به سایر ابعاد جرم خیزی در روستاهای پیرامونی شهر رشت بیشتر می باشد. نتایج در خصوص مقایسه وضعیت جرم خیزی بر حسب دهستان های پیرامونی شهر رشت حاکی از آن بود که دهستان لاکان به لحاظ جرم خیزی وضعیت نامناسب تری را نسبت به سه دهستان دیگر دارد و دهستان پسیخان بدین لحاظ در وضعیت بهتری می باشد.

در خصوص ابعاد جرم نیز همانگونه که مطرح شد دزدی بیشترین فراوانی را داشته که در این خصوص دهستان لاکان بدترین وضعیت و دهستان حومه مناسب ترین وضعیت را بدین لحاظ داشته اند. اما در خصوص سایر ابعاد جرم خیزی نتایج حاکی از آن بود که در خصوص رواج مواد مخدر دهستان پیربازار نامناسب ترین وضعیت و دهستان پسیخان مناسب ترین وضعیت، در خصوص نزاع و درگیری دهستان لاکان نامناسب ترین و دهستان پسیخان مناسب ترین و در نهایت در خصوص رفتارهای خارج از عفت عمومی دهستان پسیخان نامناسب ترین وضعیت و دهستان لاکان مناسب ترین وضعیت را داشتند.

در ادامه بررسی توصیف متغیرهای تحقیق، به بررسی وضعیت کالبدی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به طور جداگانه پرداخته شد. نتایج در خصوص بعد کالبدی حاکی از آن بود که در مجموع وضعیت تقریباً مناسبی دارند. میانگین نمرات این متغیر در دامنه ۱ تا ۵، ۳/۳۰ بدست آمد. مقایسه این متغیر بر حسب دهستان های پیرامون شهر رشت نشان داد که

دهستان پسیخان بدین لحاظ بهترین وضعیت و دهستان پیربازار نامناسب‌ترین وضعیت را دارد. در خصوص وضعیت اجتماعی نیز نتایج نشان داد که بدین لحاظ دهستان‌های پیرامونی وضعیت تقریباً مطلوبی دارند به‌طوری‌که در دامنه ۱ تا ۵، میانگین نمرات $3/30$ بدست آمد. مقایسه وضعیت اجتماعی دهستان‌های چهارگانه پیرامون شهر رشت نیز حاکی از آن بود که نامناسب‌ترین وضعیت مربوط به دهستان پیربازار و مناسب‌ترین وضعیت اجتماعی نیز مربوط به روستاهای دهستان پسیخان است. در خصوص وضعیت فرهنگی نیز نتایج نشان داد که بدین لحاظ دهستان‌های پیرامونی وضعیت تقریباً مطلوبی دارند به‌طوری‌که در دامنه ۱ تا ۵، میانگین نمرات $3/13$ بدست آمد. مقایسه وضعیت فرهنگی دهستان‌های چهارگانه پیرامون شهر رشت نیز حاکی از آن بود که نامناسب‌ترین وضعیت مربوط به دهستان پیربازار و مناسب‌ترین وضعیت فرهنگی نیز مربوط به روستاهای دهستان پسیخان است. در خصوص وضعیت اقتصادی نیز نتایج نشان داد که بدین لحاظ دهستان‌های پیرامونی شهر رشت وضعیت مطلوبی نداشته به‌طوری‌که در دامنه ۱ تا ۵، میانگین نمرات $2/32$ بدست آمد. مقایسه وضعیت اقتصادی دهستان‌های چهارگانه پیرامون شهر رشت نیز حاکی از آن بود که نامناسب‌ترین وضعیت مربوط به دهستان حومه و مناسب‌ترین وضعیت اقتصادی نیز مربوط به روستاهای دهستان پسیخان است. نتایج تحلیلی این پژوهش که بر اساس فرضیه‌ها استوار بود به دو بخش فرضیه‌های کلی و جزئی تقسیم می‌گردد که در ذیل نتایج بررسی هر کدام به‌صورت جداگانه پرداخته می‌شود.

فرضیه اول بدین صورت مطرح شده بود که بین وضعیت کالبدی روستاهای پیرامونی شهر رشت با جرم خیزی در آن مناطق رابطه وجود دارد. نتیجه بررسی این فرضیه بیانگر آن بود که ضریب همبستگی بین وضعیت کالبدی روستاهای پیرامونی شهر رشت و جرم خیزی در آن روستاها $0/517$ - است که نشان‌دهنده رابطه منفی و متوسط بین دو متغیر می‌باشد. سطح معنی داری آزمون نیز زیر $0/01$ است این بدان معناست که به احتمال ۹۹ درصد فرضیه صفر مبنی بر صفر بودن ضریب همبستگی در مبنای جمعیت نمونه‌گیری رد می‌شود. به عبارت دیگر مقدار ضریب همبستگی مشاهده شده در نمونه در جمعیت نیز وجود دارد. بدین ترتیب هر چقدر وضعیت کالبدی روستاها دارای وضعیت نامطلوب باشد جرم خیزی در آن روستاها بیشتر است. این نتیجه در راستای تأیید مطالعات پیشین است که فضای کالبدی بر جرم خیزی مؤثر است و هر چقدر فضای کالبدی منطقه‌ای نامناسب‌تر باشد جرم خیزی در آن مناطق بیشتر و به همان تناسب امنیت اجتماعی کاهش پیدا می‌کند. هم چنین بررسی‌های صورت گرفته در خصوص رابطه وضعیت کالبدی روستاها و جرم خیزی نیز نشان داد که بین این متغیر و هر چهار بعد جرم خیزی (رواج مواد مخدر، رواج نزاع و درگیری، دزدی و سرقت و رفتارهای ضد عفت عمومی) رابطه منفی و معکوس وجود دارد به‌طوری‌که هر چقدر وضعیت کالبدی نامناسب‌تر باشد این متغیرها روند افزایشی دارند. فرضیه دوم بدین صورت مطرح شده بود که بین وضعیت اجتماعی روستاهای پیرامونی شهر رشت با جرم خیزی در آن مناطق رابطه وجود دارد. نتیجه بررسی این فرضیه بیانگر آن بود که ضریب همبستگی بین وضعیت اجتماعی روستاهای پیرامونی شهر رشت و جرم خیزی در آن روستاها $0/463$ - است که نشان‌دهنده رابطه منفی و نسبتاً متوسط بین دو متغیر می‌باشد. سطح معنی داری آزمون نیز زیر $0/01$ است این بدان معناست که به احتمال ۹۹ درصد فرضیه صفر مبنی بر صفر بودن ضریب همبستگی در مبنای جمعیت نمونه‌گیری رد

می‌شود. به عبارت دیگر مقدار ضریب همبستگی مشاهده شده در نمونه در جمعیت نیز وجود دارد. بدین ترتیب هر چقدر وضعیت اجتماعی روستاها وضعیت نامطلوب‌تری داشته باشد جرم خیزی در آن روستاها بیشتر است. این نتیجه در راستای تأیید مطالعات پیشین است که فضای اجتماعی بر جرم خیزی مؤثر است و هر چقدر فضای اجتماعی منطقه‌ای نامناسب‌تر باشد جرم خیزی در آن مناطق بیشتر و به همان تناسب امنیت اجتماعی کاهش پیدا می‌کند.

هم چنین بررسی‌های صورت گرفته در خصوص رابطه وضعیت اجتماعی روستاها و جرم خیزی نیز نشان داد که بین این متغیر و هر چهار بعد جرم خیزی (رواج مواد مخدر، رواج نزاع و درگیری، دزدی و سرقت و رفتارهای ضد عفت عمومی) رابطه منفی و معکوس وجود دارد به‌طوری‌که هر چقدر وضعیت اجتماعی نامناسب‌تر باشد این متغیرها روند افزایشی دارند.

فرضیه سوم بدین صورت مطرح شده بود که بین وضعیت فرهنگی روستاهای پیرامونی شهر رشت با جرم خیزی در آن مناطق رابطه وجود دارد. نتیجه بررسی این فرضیه بیانگر آن بود که ضریب همبستگی بین وضعیت فرهنگی روستاهای پیرامونی شهر رشت و جرم خیزی در آن روستاها $0/276$ - است که نشان از رابطه منفی و نسبتاً متوسط بین دو متغیر دارد. سطح معنی داری آزمون نیز زیر $0/01$ است این بدان معناست که به احتمال ۹۹ درصد فرضیه صفر مبنی بر صفر بودن ضریب همبستگی در مبنای جمعیت نمونه‌گیری رد می‌شود. به عبارت دیگر مقدار ضریب همبستگی مشاهده شده در نمونه در جمعیت نیز وجود دارد. بدین ترتیب هر چقدر وضعیت فرهنگی روستاها نامطلوب‌تر باشد جرم خیزی در آن روستاها بیشتر است. این نتیجه در راستای تأیید مطالعات پیشین است که فضای فرهنگی بر جرم خیزی مؤثر است و هر چقدر فضای فرهنگی منطقه‌ای نامناسب‌تر باشد جرم خیزی در آن مناطق بیشتر و به همان تناسب امنیت اجتماعی کاهش پیدا می‌کند.

هم چنین بررسی‌های صورت گرفته در خصوص رابطه وضعیت فرهنگی روستاها و جرم خیزی نیز نشان داد که بین این متغیر و هر چهار بعد جرم خیزی (رواج مواد مخدر، رواج نزاع و درگیری، دزدی و سرقت و رفتارهای ضد عفت عمومی) رابطه منفی و معکوس وجود دارد به‌طوری‌که هر چقدر وضعیت فرهنگی نامناسب‌تر باشد این متغیرها روند افزایشی دارند.

فرضیه چهارم بدین صورت مطرح شده بود که بین وضعیت اقتصادی روستاهای پیرامونی شهر رشت با جرم خیزی در آن مناطق رابطه وجود دارد. نتیجه بررسی این فرضیه بیانگر آن بود که ضریب همبستگی بین وضعیت اقتصادی روستاهای پیرامونی شهر رشت و جرم خیزی در آن روستاها $0/077$ - است که نشان از رابطه منفی و ضعیف دارد. سطح معنی داری آزمون نیز بالای $0/05$ است این بدان معناست که به احتمال ۹۵ درصد فرضیه مذکور رد می‌شود.

هم چنین بررسی‌های صورت گرفته در خصوص رابطه وضعیت اقتصادی روستاها و جرم خیزی نیز نشان داد که بین این متغیر و دو بعد دزدی و سرقت و رفتارهای ضد عفت عمومی رابطه وجود داشته و رابطه با دو بعد دیگر یعنی رواج مواد مخدر و نزاع درگیری رابطه‌ای مشاهده نشد.

اما آنچه که محقق به دنبال بررسی آن بود تبیین مدل امنیت اجتماعی با تأکید بر جرم خیزی بود. نتایج در خصوص تدوین مدل تجربی حاکی از آن بود که بعد کالبدی بیشترین تأثیر را بر جرم خیزی در منطقه موردبررسی دارد. عوامل اجتماعی و فرهنگی نیز به طور مستقیم بر جرم خیزی تأثیرگذار هستند؛ اما تأثیرگذاری آن متغیرها نسبت به بعد کالبدی پایین تر است. هم چنین علاوه بر تأثیر مستقیم عوامل تأثیرگذار، می توان به تأثیرات غیر مستقیم نیز اشاره داشت که با تأثیرگذاری بر بعد کالبدی و اجتماعی بر جرم خیزی در منطقه موردبررسی نیز مؤثر بودند. نکته قابل ذکر دیگر آن است که بعد اقتصادی بر جرم خیزی به طور مستقیم تأثیرگذار نبوده؛ اما با تأثیرگذاری بر ابعاد اجتماعی و فرهنگی بر متغیر وابسته تحقیق اثرگذار است.

منابع

- احمدی، آرمان و احیایی، پویان (۱۳۹۳) بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی و عوامل مرتبط با آن. فصلنامه دانش انتظامی آذربایجان شرقی، سال چهارم، شماره سوم (پیاپی ۱۴)، صص ۶۰-۳۵.
- اسکندری، محمد، افشین، فرحناز. (۱۴۰۱). ساماندهی امنیت محلات شهری با رویکرد شناسایی کانون های جرم زا (مطالعه موردی: منطقه ۴ شهر رشت). مهندسی جغرافیایی سرزمین، ۶ (۳)، ۵۵۵-۵۶۴.
- اکبرشاهی منیژه، سهیلی جمال الدین. (۱۴۰۰) تبیین رابطه عوامل کالبدی و کیفیت مفهوم قلمرو ثانویه با میزان امنیت اجتماعی ساکنین در محیط های مسکونی در پیشگیری از جرم بر پایه رویکرد CPTED؛ مطالعه موردی: مجتمع مسکونی چهارصد دستگاه شهر قزوین. مسکن و محیط روستا. ۱۴۰۰؛ ۴۰ (۱۷۶): ۴۵-۵۶.
- امامی، سیده فاطمه؛ وطنخواه، ژیا؛ دربان آستانه، علیرضا. (۱۴۰۰). نقش طراحی کالبدی در امنیت روستایی (نمونه موردی شهرستان رشت). مطالعات جغرافیایی نواحی ساحلی. ۲ (۲)، ۱۰۵-۱۳۵.
- بذرافشان، جواد و روستا، مجتبی. (۱۳۹۵). ارزیابی عوامل مؤثر بر احساس امنیت در مناطق روستایی (مطالعه موردی: بخش مرکزی - شهرستان جهرم). فصلنامه علمی برنامه ریزی منطقه ای، ۶ (۲۳)، ۱۴۲-۱۵۲.
- حبیبی، داود. (۱۴۰۱). تبیین کارایی و نقش عملکرد مدیریت شهری بر مؤلفه های امنیت اجتماعی و پیشگیری از جرم در شهرها. فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه ای. ۳ (۳)، ۳۴-۳۷.
- رحیمی، کاظم؛ رحیمی، رحیم و بدیعی، حسین. (۱۳۹۹). تأثیرات ابعاد اقتصادی بر امنیت اجتماعی. پژوهش های جدید در مدیریت و حسابداری، ۶۳ (۶)، ۲۴۵-۲۵۶.
- رضوانی، محمدرضا، زارع، زهره، فرهادی، صامت، و نیک سیرت، مسعود. (۱۳۹۰). جغرافیای جرم در نواحی روستایی با تأکید بر سرقت دام در بخش چهاردولی شهرستان قروه. پژوهش های مدیریت انتظامی (مطالعات مدیریت انتظامی)، ۶ (۱)، ۳۸-۶۲.

- روشن فکر جورشری، سبحان؛ اسدی ملک جهان، فرزانه و مولایی هشتجین، نصرالله. (۱۴۰۰). تبیین عوامل موثر محیطی در ایجاد حس امنیت اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی شهر رشت. *فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*. ۱۳(۳)، ۶۶۸-۶۸۷.
- سالاری پور، علی اکبر؛ بابایی، محمد و رفیع زاده ملک‌شاه، المیرا. (۱۳۹۶). ارزیابی تأثیر معیارهای محیطی بر امنیت محلات شهری، مطالعه موردی محله زرجوب شهر رشت. *فصلنامه علمی و پژوهشی پژوهش و برنامه ریزی شهری*. ۸(۲۸)، ۸۳-۹۸.
- سیدین، سیدامین؛ جواهریان، مهرداد، آقابابایی، حسین و بایزیدی، قادر. (۱۳۹۸). راهکارهای معماری برای پیشگیری از وقوع جرم در مجموعه‌های مسکونی باز در سطح ساختمان مسکونی (نمونه‌های مورد مطالعه: مسکن بسیجیان تالش، مسکن مهر رشت و مسکن ارکید گل‌سار رشت). *پژوهشنامه حقوق کیفری*. ۱۰(۱)، ۱۶۴-۱۳۵.
- شاطریان، محسن؛ کیانی سلمی، صدیقه و شفیعی، سمیرا. (۱۳۹۵). سنجش عوامل موثر بر احساس امنیت در مناطق روستایی مطالعه موردی شهرستان نطنز. *برنامه ریزی فضایی*. ۶(۳)، ۱-۱۶.
- صدرالسادات، آیدا، سجاسی قیداری، حمداله، و عنابستانی، علی اکبر. (۱۳۹۷). ارزیابی تأثیر مؤلفه‌های پیشگیری از جرم در طراحی محیط بر احساس امنیت ساکنان مطالعه موردی: روستاهای دهستان طوس. *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران (پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی)*. ۷(۴ (پیاپی ۲۳))، ۷۴-۵۹.
- قربانپور راسخ، مریم و بابایی، محمد علی. (۱۳۹۶). ارزیابی طرح مسکن مهر رشت از منظر پیشگیری محیطی از جرم. *پژوهشنامه حقوق کیفری*. ۸(۱)، ۲۰۷-۲۳۵.
- گلباغی ماسوله، سید علی جبار و ملک مطیعی، ساسان. (۱۴۰۱). پیشگیری وضعی با رویکرد طراحی محیطی در کاهش سرقت منازل اجتماعی (مطالعه موردی مسکن مهرشهر رشت). *آموزه‌های فقه و حقوق جزاء*.
- میرعرب، مهرداد و سجادی، سید عبدالقیوم (۱۳۷۹). نیم نگاهی به مفهوم امنیت. *علوم سیاسی*، ۱۳۷۹، شماره ۹.
- هزارجریبی، جعفر؛ امین صارمی، نودر و فریریز یوسفندی (۱۳۸۸). تحلیل نواحی جرم‌خیز و آسیب زای سکونتگاه‌های شهری، *فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی*، سال چهارم، شماره اول، صص ۷۳-۸۶.
- یوسفوند، حسن‌رضا؛ احمدی، یعقوب؛ محسنی تبریزی، علیرضا و ابوالحسنی، اصغر (۱۳۹۴). تبیین رابطه جرایم خشونت آمیز (سرقت، ضرب و جرح و قتل) با تأکید بر نابرابری در توسعه اجتماعی - اقتصادی در ایران. *پژوهش نامه نظم و امنیت انتظامی*. ۳۰(۸)، ۱-۳۴.
- Arisukwu, O., Igbolekwu, C., Oye, J., Oyeyipo, E., Asamu, F., Rasak, B., & Oyekola, I. (2020). Community participation in crime prevention and control in rural Nigeria. *Heliyon*, 6(9).
- Çaya, S. (2014). Violence in rural regions: the case of Modern Turkey. *Procedia-social and behavioral sciences*, 114, 721-726.
- Ceccato, V. A. (2016). Rural crime and community safety (p. 424).

- Ceccato, V., & Dolmen, L. (2011). Crime in rural Sweden. *Applied Geography*, 31(1), 119-135.
- Eman, K., & Bulovec, T. (2021). A case study of rural crime and policing in Pomurje region in Slovenia. *Journal of Rural Studies*, 85, 43-51.
- Grote, U., Nguyen, T. T., Nguyen, T. T., & Neubacher, F. (2024). Determinants and impacts of rural crime victimization: Evidence from a case study in Southeast Asia. *Journal of Asian Economics*, 91, 101712.
- Ishak, P. W. (2022). Murder nature: Weather and violent crime in rural Brazil. *World Development*, 157, 105933.
- Jones, R.W. (1999). *Security, Strategy and Critical Theory*, London: Lynne Rienner Publications.
- Lindström, P. (2015). Police and crime in rural and small Swedish municipalities. *Journal of rural studies*, 39, 271-277.
- Mawby, R.I. (2015) Exploring the relationship between crime and place in the countryside, *Journal of Rural Studies*, Volume 39, Pages 262-270.
- Neubacher, F., Kissoly, L. D., Faße, A., & Grote, U. (2024). "You sleep with your eyes open": Understanding rural crime and its implications for community well-being. *Journal of Rural Studies*, 106, 103213.
- Qi, Z. (2020). Rural to urban migration, crime, and sentencing disparities in Guangdong, China. *International Journal of Law, Crime and Justice*, 63, 100421.

Explaining the Social Security Pattern with an Emphasis on Crime-Proneness: A Case Study of the Peripheral Villages of the Metropolitan City of Rasht

Nader Nasiri Seigalan¹, Farhad Hamzeshi^{2*}, Ali Bijani³

1. Department of Geography, CT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. Department of Geography, CT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

3. Department of Geography, CT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abstract

In recent years, Gilan Province has been one of the provinces that has received a significant number of migrants from various parts of the country. According to the report by the Statistical Center of Iran, Gilan is among the five provinces with the highest migration rates. Undoubtedly, this has led to various socio-cultural and physical challenges, which in turn have contributed to the formation of crime-prone conditions in the province. Rasht, as the capital of this province, is also affected by these factors. Reports from agencies related to social security indicate that a significant portion of crimes, such as theft and robbery, are associated with the influx of travelers to Rasht and the high traffic density in the city. Considering these issues, the aim of this study is to explain the pattern of social security with an emphasis on crime-proneness in the rural areas surrounding Rasht. The main research method was a survey, and data were collected using a researcher-designed questionnaire. The statistical population of this study consisted of all residents of the rural areas surrounding Rasht, encompassing four rural districts: Lakan, Houmeh, Pirmazar, and Pasikhan. Among them, 400 individuals were selected as the sample through a multistage cluster sampling method and surveyed. Based on the theoretical review, the researcher considered physical, social, cultural, and economic factors as influential on crime-proneness. One of the key findings of this study is the negative and inverse relationship between physical, social, and cultural factors and crime-proneness, indicating that the more unfavorable the conditions of these factors, the higher the crime-proneness. However, the relationship between economic factors and crime-proneness was not significant. The explanatory findings also showed that physical, social, cultural, and economic variables accounted for 32% of the variance in the dependent variable (crime-proneness). Finally, the researcher presented the explanatory model of the study, which is the social security pattern in the rural areas surrounding Rasht.

Key words: spatial analysis, well - being, Cocoso model, Iran.